

شاید این کار برعهده سینماگران نباشد، اما مطمئناً در زمره وظایف محققان و پژوهشگران مسائل زنان است.
زیبا جلالی نائینی

یادداشت

۱. از آفتاب امروز. شماره ۴۷. ۶ اردیبهشت ۱۳۷۹. ص ۷.
۲. "سینما و شوکران حقیقت". بیمن روغنی. مشارکت جوان. شماره ۳. اردیبهشت ۷۹. ص ۷.
۳. "گالنگیر کننده همراه با ساختاری سنجیده". آرش نیک گو. صبح امروز. ۲۲ فروردین ۱۳۷۹. ص ۸.
۴. همان.
۵. "شوکران فیلم تلخ بیرحمانه‌ای است که هیچ دل‌داری نمی‌دهد و کسی را گول نمی‌زند." از سینمای ایران. بامداد نو. شماره ۱۸۱. ۲۹ فروردین ۱۳۷۹. ص ۸.
۶. همان. ۷. همان.
۸. "شوکران همینه تاریخ: تقابل خوب و بد". میترا قاضوی. آفتاب امروز. ۲۱ فروردین ۱۳۷۹. ص ۸.

ایران، اوپک و قیمت نفت خام

حدود یک سال پیش از این، در آستانهٔ بهار ۱۳۷۸، اعضای سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) به استثنای عراق، همراه چهار کشور صادرکننده خارج از اوپک (مکزیک، نروژ، روسیه و عمان) تصمیم گرفتند تولید نفت را حدود پنج میلیون بشکه در روز کاهش دهند - سهم اوپک در این

کاهش ۴/۳۲ میلیون بشکه در روز بود. با این توافق عرضهٔ جهانی نفت خام حدود دو میلیون بشکه در روز از مقدسار تقاضای آن کمتر می‌شد. به این ترتیب سطح ذخایر نفت کشورهای واردکننده پایین می‌آمد و موجب افزایش قیمت نفت می‌شد. این اقدام باعث شد در عرض کمتر از یک سال قیمت نفت خام در بازارهای جهانی سه برابر و تا بیش از سی دلار برای هر بشکه معامله شود.

سطح نازل قیمت نفت خام در سال ۱۳۷۷ کشورهای صادرکنندهٔ نفت را در بحران اقتصادی فرو برد و این دلیلی شد تا اوپک که در آن زمان همچون سازمانی گسیخته ظاهر شده بود بتواند میان اعضای خود هماهنگی و تفاهم بوجود آورد. اعتماد به سیاست تنش‌زدایی دولت ایران در عرصهٔ بین‌المللی و توسعهٔ روابط سیاسی با کشورهای حاشیهٔ خلیج فارس و از همه مهم‌تر گسترش روابط ایران و عربستان سعودی عامل دیگری در شکل‌گیری این انسجام و دستیابی به توافق در میان اعضای اوپک بود.

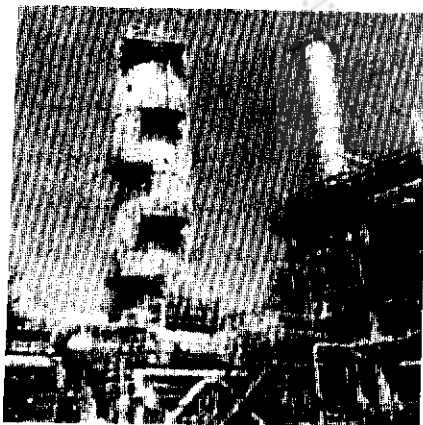
در زمستان ۱۳۷۸ روند افزایش قیمت نفت تشدید شد تا آن‌جا که کشورهای واردکننده از خطر رکورد اقتصاد جهانی خبر می‌دادند و کشورهای صادرکننده از کاهش مصرف (در پی رکود اقتصاد جهانی) و از سقوط مجدد قیمت نفت ابراز نگرانی

می‌کردند. در ۱۸ آسفند ۱۳۷۸، وزیران نفت ایران و عربستان سعودی بیانیه مشترکی منتشر کردند و پیرو آن "وزرای نفت دو کشور توافق کردند که شرایط فعلی بازار نفت و دورنمای آن این ضرورت را ایجاب می‌کند که تولیدکنندگان نفت عضو و غیر عضو اوپک برای متوازن کردن بازار، به منظور دستیابی به سطح قیمت‌های پایدار و متناسب با رشد اقتصادی جهانی و ثبات بازار، به موقع و به مقدار کافی نفت خام مورد نیاز بازار را تأمین کنند."^۲

جلوگیری از افزایش بی‌رویه قیمت نفت و دستیابی به یک ثبات نسبی، خواست مشترک کشورهای صادرکننده و کشورهای واردکننده بود. اختلاف نظر بر سر مقدار افزایش تولید و زمان این افزایش بود. بزرگترین واردکننده نفت خام، ایالات متحده آمریکا،^۳ جهت اعمال فشار بر صادرکنندگان نفت اعلام کرد کمک‌های مالی و فروش جنگ‌افزار را به کشورهای که از بالا رفتن عرضه نفت جلوگیری می‌کنند، قطع خواهد کرد.^۴ این کشور خواهان افزایش تولید اوپک به میزان ۳ میلیون بشکه در روز بود. در میان کشورهای عضو اوپک، عربستان سعودی افزایش ۱/۷ میلیون بشکه در روز را پیشنهاد می‌کرد و ایران ابتدا بر این نظر بود که افزایش تولید تا اجلاس تابستان مسکوت بماند و سپس اعلام کرد با افزایشی

تا حد ۱/۲ میلیون توافق می‌کند. در اجلاس اوپک در فروردین ۱۳۷۹، پیشنهاد عربستان سعودی به استثنای ایران و لیبی به تصویب دیگر اعضای حاضر رسید. ایران به این توافق نپیوست ولی چندی بعد وزیر نفت، بیژن زنگنه، اعلام کرد "ما افزایش تولید را از اول آوریل شروع کرده‌ایم، سعی داریم این افزایش را به صورتی انجام بدهیم که سهم ما از بازار تحلیل نرود."^۵

افزایش سریع قیمت نفت در اواخر سال ۱۳۷۸ و بالا بودن سطح تقاضا باعث شد کشورهای صادرکننده‌ای که توان افزایش تولید داشتند از سهمیه خود فراتر روند. مهم‌ترین چالشی که اوپک پیش‌روی داشت محدود کردن این گونه تخطی‌ها بود و حفظ تقاضم میان اعضا تا این سازمان بتواند نقش خود را در بازار نفت ایفا کند. طبق داده‌های مؤسسه بین‌المللی انرژی، تولید نفت خام اوپک، به استثنای عراق، در ماه مارس



۲۰۰۰ (قبل و همزمان با اجلاس اخیر اوپک) ۱/۲۵ میلیون بشکه در روز بیش از سهمیه توافق شده در بهار ۱۳۷۸ بود.^۶ به گفته وزیر معدن و نفت الجزایر "توافق وین لازم بود تا بتوان از هرگونه شکافی که اعضای خاطی می‌توانستند موجب شوند، جلوگیری کرد. افزایش ۱/۷ میلیون بشکه در روز، در واقع سطح تولید را با حد ظرفیت تولید اغلب کشورهای عضو برابر می‌کرد."^۷

در اجلاس فروردین ماه، به شکل یک توافق غیررسمی، روش تنظیمی برای بازار نفت خام بنیان نهاده شد. قیمت مطلوب برای نفت "برنت" (نفت دریای شمال) ۲۵ دلار هر بشکه تعیین شد و قرار شد اجازه ندهند متوسط قیمت نفت "برنت" در طول بیست روز متوالی از حد پایین ۲۲ دلار و حد بالای ۲۸ دلار فراتر رود و در صورت پایین آمدن و یا بالا رفتن قیمت از این حد، تولید نفت را به مقدار پانصد هزار بشکه در روز اصلاح کنند. این توافق به اعضای سازمان این رضایت خاطر را داد که اگر افزایش تولید باعث فرو ریختن بازار شود، سازمان متعهد می‌شود تولید را کم کند و به کشورهای واردکننده این امید را داد که در صورت فقدان عرضه و بالا رفتن شدید قیمت، تولید افزایش یابد. اما تأثیر واقعی تغییر سطح تولید بر روی بازار نفت حدود چهار تا شش هفته پس از تصمیم به این تغییر ظاهر

می‌شود. به این ترتیب این روش راه را بر سفته‌بازی باز می‌گذارد و بیم آن می‌رود که نتوان مانع نوسانات شدید قیمت نفت در بازارهای جهانی شد و باید تمهیدات دیگری نیز در کنار آن در نظر گرفت.

امنیت در تأمین نفت ایجاب می‌کند قیمت آن به تدریج افزایش یابد.

افزایش ذخایر جهانی تثبیت شده نفت و فزونی ظرفیت تولید نسبت به مصرف در سال‌های اخیر این توهم را در اذهان به وجود آورده بود که نفت یک ماده اولیه نامحدود است که با هزینه پایین می‌توان تهیه کرد. کاهش ذخایر نفتی با هزینه‌های پایین تولید و افزایش مصرف جهانی، بشر را ملزم می‌سازد به منابعی روی بیاورد که تولید نفت از آن‌ها با هزینه‌های بالاتری ممکن خواهد بود. برای ایجاد امنیت در تأمین نفت و اجتناب از افزایش یا کاهش سریع قیمت آن در بازارهای جهانی لازم است قیمت نفت در هر زمان در حدی باشد که، از یک طرف، مانع افزایش بی‌رویه ظرفیت تولید شود و از طرف دیگر، اضافی بازار را مخدوش نکند - همان‌گونه که در ابتدای دهه هشتاد میلادی، بالا بودن قیمت نفت باعث شد در حد وسیعی در ذخایر نفتی با هزینه‌های تولید بالاتر از ذخایر نفتی اوپک سرمایه‌گذاری شود و ایجاد ظرفیت تولید زیاده از حد موجب فروریزی

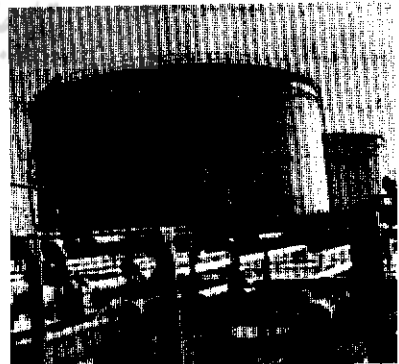
بازار نفت در نیمه همان دهه هشتاد شد -
و از طرف دیگر، سطح قیمت در حدی
باشد که بهره‌برداری از منابع با هزینه تولید
بالاتر همگام با افزایش مصرف و تقلیل
ذخایر در دست بهره‌برداری (ذخایر با هزینه
تولید پایین) امکان‌پذیر شود. برای بازار
جهانی قیمت مناسب نفت آن قیمتی است که
دستخوش نوسانات شدید نشود. این قیمت
الزاماً رو به افزایش خواهد داشت. افزایش
تدریجی قیمت در طول زمان و محدود کردن
نوسانات قیمت به نفع تولیدکنندگان و
مصرف‌کنندگان است.

ملاحظات مالی کشورهای عضو اوپک نقش دیپلماسی را افزایش داده است.

در سال ۱۹۸۱ میلادی سهم صادرات
نفت در تجارت جهانی ۲۳/۳٪ از ارزش کل
صادرات در جهان را تشکیل می‌داد. در سال
۱۹۹۷ این نسبت به ۶/۱٪ رسید و برای
سال ۱۹۹۹ برآورد می‌شود که این سهم از
۵٪ تجاوز نکرده باشد. در همین مدت حجم

کل صادرات جهانی به دلار جاری بیش از
شش برابر شده است. چالش اقتصادی دهه
هشتاد میلادی شیوه بازگرداندن مازاد
درآمد نفتی کشورهای صادرکننده نفت به
چرخه اقتصاد جهانی بود. درحالی‌که امروز
درآمدهای نفتی کشورهای عضو اوپک
جوابگوی نیازهای مالی بودجه خود این
کشورها نیز نیست. «از حال به بعد،
کشورهای صادرکننده نفت هستند که نگران
تضمین بازارهای خود، کاهش قیمت نفت و
درآمدهای خود و همچنین ازدیاد مالیات‌ها
در کشورهای صنعتی بر فراورده‌های نفتی
می‌باشند ... دیگر هیچیک از این کشورها به
فکر استفاده از نفت به عنوان یک حربه
سیاسی نیست...»

در دهه هفتاد میلادی (درپی جنگ
اعراب با اسرائیل، اکتبر ۱۹۷۳)، نفت به
عنوان یک حربه سیاسی توانست کشورهای
عضو اوپک را برای ارائه یک سیاست
مشترک بازار نفت متفق کند. در صورتی‌که
امروز شرایط اقتصادی کشورهای صادرکننده
باعث شده است صادرکننده پیرو ملاحظات
مالی خود سطح تولید را با هدف به حداکثر
رساندن درآمد خود تعیین کند. همان‌گونه که
در سال‌های اخیر مشاهده شده است، هرگاه
روابط دیپلماتیک کم‌رنگ بوده کشورهایی که
مازاد ظرفیت تولید داشته‌اند از سهمیه تولید
فراترفته‌اند.



گسترش روابط دیپلماتیک میان ایران و کشورهای حاشیه خلیج فارس نقش مهمی در ایجاد وحدت میان اعضای اوپک داشت و در نهایت به افزایش قیمت نفت در سال ۱۳۷۸ انجامید. در اجلاس اخیر اوپک، ایران موفق نشد با دیگر اعضای این سازمان به توافق برسد. نظر ایران این بود که اوپک تحت تأثیر فشارهای آمریکا قرار گرفته است و در نتیجه به توافقی که دیگر اعضا برای افزایش تولید کردند نپیوست. با وجود این افزایش تولید را در دستور کار خود قرار داد و بدون آن که به توافق اوپک پیوسته باشد از این توافق پیروی کرد! گرچه حرکت ایران نشان‌دهنده شکاف در وحدت اوپک است ولی بیاناتی که کشورهای عضو این سازمان در پی این واقعه کردند نشان از این دارد که به توسعه روابط دیپلماتیک میان خود پایبندند. وزیر نفت ایران اعلام کرد «هر کشوری در پی منافع ملی خود است. ما نمی‌توانیم موضوعات را سیاه و سفید ببینیم. ما باید روابط خوبی با عربستان سعودی داشته باشیم و از منافع بلند مدت مشترکمان محافظت کنیم»^{۱۱}

ضرورت توافق میان کشورهای

صادرکننده و کشورهای واردکننده

پنج روز قبل از اجلاس فروردین‌ماه اوپک، مجلس نمایندگان ایالات متحده آمریکا قانونی را تصویب کرد که تأکید

مجددی بود برای اینکه رئیس‌جمهور آمریکا از اختیارات خود استفاده کند و کمک‌ها و فروش سلاح را به اوپک و کشورهای که قیمت جهانی نفت را تعیین می‌کنند، قطع کند. وزیر انرژی این کشور نیز برای اعمال فشار و جهت دادن به تصمیم‌گیری اوپک به اکثر این کشورها سفر کرد. ناراضی‌تری مصرف‌کنندگان آمریکایی (عمدتاً رانندگان کامیون) از افزایش قیمت سوخت، در زمانی که انتخابات ریاست جمهوری این کشور نزدیک است، اقدامات آمریکا را بیشتر تحت تأثیر سیاست داخلی قرار داد تا مسائل اقتصادی. به نوشته لوس آنجلس تایمز «ایالات متحده آمریکا منفعتی ندارد که فروش سلاح به کشورهای تولیدکننده نفت را قطع کند. در سال ۱۹۹۸، عربستان سعودی حدود ده میلیارد دلار از آمریکا اسلحه خرید و در سال‌های اخیر آمریکا فشارهای زیادی به کشورهای چون امارات متحده عربی آورد تا به جای خرید هواپیمای جنگی از فرانسه، از آمریکا خرید کنند. با وجود این، اعضای کنگره آمریکا با چنین تهدیدهایی (قطع فروش سلاح) چیزی از دست نمی‌دهد. اگر اوپک تولید را بالا ببرد، ادعای اعتبار می‌کنند و در غیر این صورت دولت را سرزنش می‌کنند»^{۱۲}

تصمیم‌گیری در اوپک نیز نمی‌تواند مستقل از مسائل سیاسی کشورهای عضو

باشد. الجزایر که به علت نداشتن ظرفیت تولید اضافی ابتدا همچون ایران و لیبی موافق به تعویق انداختن افزایش تولید بود، به عربستان سعودی پیوست و از مقدار افزایش تولیدی که این کشور پیشنهاد کرده بود پشتیبانی کرد. در این دور مذاکرات، الجزایر وارد دور جدیدی از روابط سیاسی با آمریکا شد. افزایش قیمت نفت در سال ۱۳۷۸ وضعیت مالی عربستان سعودی را بهبود بخشید و این کشور دوباره موقعیت خود را در میان کشورهای عرب به دست آورد تا بتواند مهره مهمی در مذاکرات صلح خاورمیانه تلقی شود. این کشور با پیشنهاد افزایش تولیدی که توانست توافق اکثریت اعضای اوپک و رضایت کشورهای واردکننده را جلب کند موقعیت سردمداری خود را در این سازمان تحکیم کرد. ایران در این دور مذاکرات بر مخالفت خود با اعمال نفوذ آمریکا تأکید مجدد کرد.

برای این که تک تک اعضای اوپک بتوانند بهترین بهره سیاسی و اقتصادی را ببرند لازم است از یک سو وحدت و هماهنگی میان آن‌ها حفظ شود، و از سوی دیگر، با کشورهای بزرگ واردکننده به مذاکره بنشینند. حال که برای اوپک نفت دیگر نمی‌تواند یک حربه سیاسی باشد، پس فضای دیپلماتیک باید به سطحی ارتقاء یابد که کشورهای واردکننده نیز از تهدید و

تحریم دست بکشند. برای رسیدن به این مقصود ابتدا باید روابط دیپلماتیک بین کشورهای اوپک و کشورهای بزرگ مصرف‌کننده عادی شود و سپس مذاکرات سازمان یافته و رسمی میان اوپک و این کشورها ترتیب داده شود. تنها در چنین فضایی می‌توان به توافقاتی رسید که مسائل حاشیه‌ای و زمینه‌سازی‌های مربوط به سیاست داخلی بر منافع کلان طرفین مذاکره برده نباشند.

ذخایر استراتژیک نفت کشورهای پیشرفته

در زمستان ۱۳۷۸، زمانی که قیمت نفت به سرعت بالامی‌رفت، در آمریکا از رئیس‌جمهور این کشور خواسته شد تا ذخایر استراتژیک نفت کشور را به عنوان حربه‌ای علیه اوپک و در جهت پایین آوردن قیمت نفت به کار گیرد.

ایجاد ذخیره راه‌حلی است تا از اختلال‌های موقت در سامانه عرضه نفت جلوگیری شود. بحران نفت در دهه هفتاد میلادی و هزینه‌بر بودن ایجاد ذخایر بزرگ برای شرکت‌های نفتی، کشورهای بزرگ مصرف‌کننده نفت را بر آن داشت که ذخایر استراتژیک عظیم نفت به وجود آورند. در حال حاضر ذخایر استراتژیک نفت ایالات متحده آمریکا بالغ بر ۵۶۹ میلیون بشکه است.^{۱۰} با در نظر گرفتن اینکه تولید نفت اوپک قدری کمتر از ۲۵ میلیون بشکه در روز

است و صادرات نفت این سازمان حدود ۱۸ میلیون بشکه در روز، ذخایر استراتژیک آمریکا معادل یک ماه صادرات نفت اوپک است.

پس از اجلاس اوپک و توافق برای افزایش تولید نفت، رئیس جمهور آمریکا، در گزارش ۳۱ مارس خود به مجلس نمایندگان، در مورد استفاده از ذخایر استراتژیک نفت نوشت: «گزینه استفاده از ذخایر در مقابل قطع عرضه نفت یک خط دفاعی بود.» برای کشورهای بزرگ واردکننده نفت (کشورهای پیشرفته) این ذخایر تنها به عنوان حربه سیاسی و یا حفاظ در مقابل خطر قطع شدن عرضه نفت است. گسترش روابط بین کشورهای حاشیه خلیج فارس و ایجاد ثبات در منطقه، خطر قطع شدن عرضه نفت از این منطقه را منتفی می سازد. از طرف دیگر، برقرار کردن مذاکرات بین گروه کشورهای تولیدکننده و گروه کشورهای مصرف کننده این راه را باز می کند که با دید دیگری به این ذخایر نگاه شود و مورد مصرفی که به نفع تولیدکننده و مصرف کننده است برای آن در نظر گرفته شود.

در سطرهای پیشین شرحی در مورد روش تنظیم بازار نفت خام که اوپک اتخاذ کرده است آورده شد و از این نگرانی که نتوان تنها با این روش و بدون تمهیدات

دیگری مانع نوسانات شدید قیمت نفت در بازارهای جهانی شد سخن رفت. به طور مثال تمهید دیگری که می توان در کنار روش اوپک در نظر گرفت، استفاده از ذخایر استراتژیک کشورهای پیشرفته برای جلوگیری از سفته بازی و نوسانات شدید کوتاه مدت در بازار نفت است. همان گونه که گفته شد اثر واقعی تصمیم افزایش یا کاهش تولید بر بازار نفت حدود چهار تا شش هفته زمان می برد. ذخایر استراتژیک می توانند نقش تنظیم کننده ثانویه را ایفا کنند.

خسرو نیرومندراد

یادداشت

کمنکو ۱۵۸

۱- عراق همچنان زیر تحریم های سازمان ملل قرار دارد و فروش نفت آن تنها با موافقت این سازمان و جهت تأمین دارو و خوراک میسر است و در تصمیمات اوپک در حال حاضر نقشی ندارد.

۲- مصرف نفت خام در جهان ۷۷ میلیون بشکه در روز برآورد شده بود.

۳- روزنامه فتح، پنجشنبه ۱۹ اسفند ۱۳۷۸، صفحه ۴.

۴- "تولید نفت خام در ایالات متحده آمریکا در سال ۱۹۹۹ به پایین ترین سطح خود در نیم قرن اخیر رسید. واردات نفت خام ۵۳٪ عرضه این کالا را تشکیل می دهد و وزارت انرژی این کشور پیش بینی می کند که سهم واردات در سال ۲۰۲۰ به ۶۴٪ خواهد رسید." رویتر - واشینگتن، Deborah Charles، اول آوریل ۲۰۰۰.

۵- رویتر - واشینگتن، Tom Doggett، بیست و دوم مارس ۲۰۰۰.

۶- رویتر - تهران، مهرداد بلالی، سوم آوریل ۲۰۰۰.

۷- رویتر - لندن، یازدهم آوریل ۲۰۰۰.

- ۸- رویتر- الجزایر، Abdelmalek Touati، سی مارس ۲۰۰۰.
- ۹- نقل از "علی رودریگز"، وزیر معدن و نفت ونزوئلا و رئیس کل فعلی اوپک، رویتر- کاراکاس، دوازدهم آوریل ۲۰۰۰.
- ۱۰- سه برابر شدن قیمت یک بشکه، مقاله نیکوالس سرکیس، مدیر مجله نفت و گاز عرب- لوموند دیپلماتیک، مارس ۲۰۰۰.
- ۱۱- همان.
- ۱۲- رویتر- تهران، مهردادیلالی، سوم آوریل ۲۰۰۰.
- ۱۳- رویتر- واشینگتن، Tom Doggett، پیشین.
- ۱۴- لوس آنجلس تایمز، Telhami Shibley، نوزدهم مارس ۲۰۰۰.
- ۱۵- رویتر- واشینگتن، Deborah Charles، اول آوریل ۲۰۰۰.
- ۱۶- همان.

گفتگو ۱۵۹

گزارشی از ایران

شماره ۲۱۲ فصلنامه گزارش خاورمیانه که نشریه "طرح تحقیق و اطلاع‌رسانی خاورمیانه"

Middle East Research & Information
Project / MERIP

است و بیشتر نیز به نام مریپ معروف شده ویژه بیستین سالگرد انقلاب اسلامی ایران است.

بیش از بیست و پنج سال از عمر این نشریه می‌گذرد و از بدو تأسیس‌اش که همزمان بود با جنگ‌های اعراب و اسرائیل به طرفداری از

اعراب و برخورد انتقادی با سیاست‌های امپریالیستی آمریکا و نیز سیاست‌های اسرائیل شهرت یافت. و این خود به تنهایی کافی بوده که این نشریه همواره زیر فشارهای سیاسی و مالی باشد. تأثیر این فشار مستمر را نیز در این می‌توان دید که در ابتدای کار به صورت ماهانه منتشر می‌شد، سپس به صورت دو ماه یک شماره درآمد و در سال‌های اخیر نیز به صورت فصلنامه و سرانجام پس از جنگ موسوم به "خلیج" (جنگ آمریکا و متحدانش علیه عراق) که در خلال آن مریپ سخت به سیاست‌های آمریکا و کشورهای عربی متحد با آن انتقاد کرد کمک‌های مالی بنیادهای فرهنگی کشورهای نظیر کویت و عربستان هم از این نشریه دریغ شد و اینک امکان ادامه حیات آن با تهدیدهای جدی روبه‌روست. جالب آن که بیست سال پیش هم یک شماره ویژه به انقلاب اسلامی ایران اختصاص داده بود. تأکید شماره اخیر این نشریه بر تحولات درونی ایران است. به ویژه بازگویی زمینه‌هایی که به جنبش اصلاح‌طلبانه‌ای منجر شد که در دوم خرداد ۱۳۷۶ و انتخاب سیدمحمد خاتمی به عنوان رئیس جمهوری منجلی گشت.

کاوه احسانی سردبیر مهمان این شماره مریپ در مقاله آغازین تحت عنوان شیخ دموکراسی، که می‌توان آنرا مقدمه سردبیر